

حضور تاریخی امام صادق «علیه السلام» در بستر شهادت و نیایش

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

السلام علیک یا جعفر بن محمد الصادق، یابن رسول الله

جایگاه اسلام در تاریخ

1- اسلام به عنوان فتوحی در تاریخ در مقابل جاهلیتِ اُولی، راهی است برای گشودن جهانی که انسان در آن جهان زندگی خود را در همه ابعاد انسانی اش وسعت می دهد و تجربه می کند و از فرش تا عرش گسترش می یابد.

2- در صدر اسلام ما با سه نوع اسلام مواجه شدیم:

الف- مواجهه ای که امثال اباذر ذیل حضور حضرت علی «علیه السلام» با اسلام داشتند که در واقع از جهان جاهلیت زمانه عبور نمودند و وارد جهان اسلام شدند با آن گشودگی و هدایتی که اسلام برای بشریت پیش آورده است و در نتیجه، انسان در آن نوع هدایت و آن نوع اسلام معنای واقعی خود را درک نمود و درک خواهد کرد.

ب- مواجهه ای که امثال خلفا با اسلام داشتند که با برخوردی خداپاورانه، به جای پرستش بتان، خدایی که اسلام متذکر آن بود را پرستیدند هرچند از نظر فرهنگی از ارزش های جهان گذشته فاصله چندانی نگرفتند و در همین رابطه است که فرزند ابوسفیان یعنی یزیدبن ابوسفیان حاکم حساس ترین مناطق فتح شده، یعنی شام و شامات می شود.

ج- مواجهه ای که امثال ابوسفیان پس از شکست از اسلام با اسلام نمودند که آن، پذیرش ظاهری اسلام بود ولی با همان تعلّقاتِ قلبیِ فرهنگ جاهلیت. و از این جهت می توان گفت امویان یک جریان نفوذی در جهان اسلام بودند تا روح ایمانی اسلام را به نفع ارزش های جاهلیت تغییر دهند.

اهل البیت «علیهم السلام» و توجه دادن جهان اسلام به هدایت وحی و خطر امویان

3- در مقابل دو جریان اخیر، یعنی اسلام سقیفه و اسلام اموی، اسلام حضرت علی «علیه السلام» و اهل البیت «علیهم السلام» است که همه همت خود را اولاً: در راستای توجه دادن

به هدایت وحیِ محمدی صرف می کردند و ثانیاً: در راستای توجه دادن به خطر جریان اموی تلاش می نمودند. امری که اسلام سقیفه چندان بدان حساس نبود. و در این رابطه ما با سبک حضور تاریخی اهل البیت «علیهم السلام» روبرو هستیم. لذا در عین مسامحه ائمه «علیهم السلام» با خلفا و حتی کمک های فراوان فکری علی «علیه السلام» به آن ها؛ حضرت علی «علیه السلام» از همان ابتدای خلافت با معاویه برخورد می کنند و او را عزل می نمایند، با همه هزینه هایی که برای حضرت داشت، ولی اجازه ندادند با سکوت خودشان، امویان به عنوان نماد استکبار در جهان اسلام به رسمیت شناخته شوند. امری که در این زمانه، انقلاب اسلامی به عهده دارد.

آفت مسامحه در مقابل امویان و در مقابل جاهلیت مدرن

4- در ادامه حضور امویان و با مسامحه ای که متأسفانه اهل سقیفه با آن ها داشتند، کار به جایی رسید که یزید بن معاویه خلیفه مسلمین شد، همان کسی که پس از شهادت حضرت اباعبدالله «علیه السلام» افکار پنهانی جریان اموی را به میان آورد و گفت:

لَعِبْتَ هَاشِمٌ بِالْمُلْكِ فَلَا *** خَيْرٌ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ نَزَلَ

حضرت اباعبدالله «علیه السلام» در راستای همان روحیه مقابله با جاهلیتِ نفوذی در اولین فرصت که با حاکمیت یزید پیش آمد، عملاً مقابله خود با یزید را به میان آوردند، هرچند آگاه بودند در دل آن مقابله، شهادت خود و یاران شان به میان می آید ولی با روح شهادت طلبی خاص آن حضرت که در جای خود فرهنگ خاصی در دل اسلام شد؛ جریان اموی روز به روز به انزو رفت و در آن فضا و با همه رعبی که امویان ایجاد کرده بودند بالاخره حضرت سجاد «علیه السلام» در بستر تاریخی آن شهادت ها و تأثیری که بر وجدان عمومی جامعه اسلامی گذارد؛ نیایش و دعا را به میان آوردند تا با حضور جامعه در جهان گشوده دعا و نیایش، جامعه هرچه بیشتر از جبهه نفوذی جاهلیت اموی با همه سیطره ای که داشت فاصله بگیرد.

امام صادق و امام باقر «علیهما السلام» و حضوری دیگر

5- در ادامه فرهنگ شهادت و نیایش و در بستر آن دو، حال جامعه آماده حضور تاریخی دیگری شده که با حضرت باقر «علیه السلام» شروع شد که آن، به میان آوردن حکمت قدسی و فهم جامع عقل و قلب از اسلام است و رجوع اندیشمندان جهان اسلام به آن حضرت، تا آن جایی که مکتب «حکمت قدسی» که حضرت باقر «علیه السلام» شروع کردند، در زمان امامت حضرت صادق «علیه السلام» به اوج خود رسید، با چند هزار اندیشمند جهان اسلام که به آن حضرت رجوع کردند¹ و عملاً جهان اسلام از چنگال فرهنگ جاهلیت اموی نجات پیدا کرد، چه در جریان اهل سنت و ارادتی که به اهل البیت «علیهم السلام» پیدا کردند و چه در جریان شیعه و حضور فعال شیعه جعفری که حتی امروزه رسالت احیای اسلام ناب را در جهان اسلام به عهده دارد.

بصیرتِ زمان شناسی حضرت صادق «علیه السلام»

6- با نظر به حضرت صادق «علیه السلام» می توان به بصیرت آن حضرت نسبت به زمانه ای که در آن قرار داشتند توجه نمود که چگونه از یک طرف توانستند متذکر اسلام ناب در میان شیعیان باشند و شیعه را به عنوان متعالی ترین سبک اسلامی هویت ببخشند، در آن حدّ که امروز جهان اسلام چشم به سوی ایران اسلامی دارد و از طرف دیگر بهترین راه کار را در مقابل جریان های دیگر اعم از امویان که تقریباً دوران افول خود را طی می کردند و عباسیان که عملاً حرفی برای گفتن نداشتند مگر حرص حاکمیت سیاسی بر جهان اسلام؛ به میان آورند و در نتیجه این بصیرت بود که اسلام ناب ادامه پیدا کرد و می رود تا در دل سبک و فرهنگی که حضرت صادق «علیه السلام» به میان آورده اند، امروز نیز از یک طرف جهان اسلام و از طرف دیگر جهان بشری به سوی هدایت و معنویت ناب تغییر ذائقه دهد و از جاهلیت مدرن عبور کند.

¹ - در آن حدّ که ابوحنیفه می گوید: «لو الستان لهلك النعمان» که منظور دو سالی بود که او در خدمت حضرت صادق «علیه السلام» و در مصاحبت با آن حضرت بود.

هویت بخشی شیعه از طریق «سازمان وکالت»

7- حضرت صادق «علیه السلام» با تأسیس «سازمان وکالت» عملاً طوری به شیعه هویت بخشیدند که جهان اسلام به مرور، شیعه را به عنوان یک جریان اصیل همواره مد نظر داشته است در آن حدّ که در زمان صفویه شیعه توانست حاکمیتی مستقل بوجود آورد. (برای تحقیق در مورد سازمان وکالت، خوب است به جزوه «رجوع به هویت شیعه در تاریخ اسلام» قسمت اول که روی سایت هست، رجوع شود).^۲

امام صادق «علیه السلام» و «حکومت در حکومت شیعیان»

8- امام صادق «علیه السلام» در هر دوره از زندگی خود متناسب با شرایط تاریخی آن دوره روش‌ها و برخوردهای مناسب آن دوره را نشان می‌دهند، اعم از دوره‌ای که هشام بن عبدالملک حاکم است که هنوز دوره قدرت بنی امیه است و یا زمانی که دوره‌ی افول قدرت بنی امیه می‌باشد و با دوره ظهور بنی العباس و با حاکمیت منصور دوانقی که بسیار خون‌ریز است، در هر دوره‌ای روش‌های برخورد را برای شیعیان مشخص می‌کنند. و در این راستا حضرت، مجموعه‌ای از روابط را طوری شکل می‌دهند تا چنانچه حکومت در دست شیعیان باشد و یا نباشد، شیعیان بتوانند به صورتی خودکفا خود را در بستر مذهب اسلام اداره کنند، به همان معنای «حکومت در حکومت» که نیازهای اقتصادی و فرهنگی و سیاسی در آن تعریف شده و در این ارتباط جواب داده می‌شود امری که در این زمانه، ایران اسلامی می‌تواند دنبال کند.

حضور در تاریخی که با امام صادق «علیه السلام» شروع شد و نظر به انتخاب و آزادی انسان‌ها
9- مردم ما با نظر به تاریخی که با حضرت صادق «علیه السلام» پس از شهادت حضرت اباعبدالله «علیه السلام» و پس از طرح فرهنگ نیایش توسط حضرت سجاد «علیه السلام» پیش آمد؛ می‌توانند تلاش کنند خود را در تاریخی که شروع شده شکل دهند و این جا است

که مافوق عدالت، آزادی به میان می‌آید و با توجه به این امر نباید با هر شیوه‌ای به اهداف خود رسید و آزادی انسان‌ها را زیر پا گذاشت و به همین جهت حضرت علی «علیه السلام» حاضر نیستند مثل معاویه با زیر پا گذاردن آزادی مردم، عمل کنند و به هر قیمتی به اهداف خود برسند.

امامان و جهاد تبیین تا تغییر ذائقه مردم

10- خلفا و جانشینان واقعی رسولان همان شأنی را دارا می‌باشند که رسولان دارا هستند و در این رابطه وقتی به حضرت صادق «علیه السلام» بنگریم می‌بینیم که چگونه وظیفه خود می‌دانسته‌اند به هر شیوه ممکن و در زوایای مختلف ارائه بیانات کنند و شما با امامی روبروئید که می‌خواهد مردم را از تاریکی‌ها نجات دهد و با کودتا در مقابل حاکمان این مشکل حل نمی‌شود بلکه با تربیت شاگردان و گسیل آن‌ها به اقصا نقاط جهان اسلام این ممکن محقق می‌گردد و در این زمانه این همان «جهاد تبیین» است که رهبر معظم انقلاب متذکر آن می‌باشند.

این جا است که باید متوجه بود در تاریخی که با حضرت صادق «علیه السلام» آغاز شد، اسلام در مکتب و سبک ایمانی آن حضرت از جاهلیت اولی و جاهلیت مدرن که مظهر خشم و خشونت دیروزین و امروزین هستند؛ عبور خواهد کرد. با توجه به این امر که باید بدانیم بشر امروز به دنبال چه نوع بودن است. آیا حضرت صادق «علیه السلام» با حکمت قدسی مکتب خود متذکر آن نهایی ترین «بودن» نمی‌باشند؟

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته